

ارزیابی نقش خلوت در ارتقای دلبستگی به مکان در خوابگاه‌های دانشجویی

علی اکبر حیدری^۱، زهرا عبدی پور^۲

^۱ عضو هیئت علمی دانشکده فنی مهندسی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران.

^۲ دانشجوی کارشناس ارشد معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز، شیراز، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۸/۲۳، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۴/۱۱/۱۳)

چکیده

ساکنین خوابگاه‌های دانشجویی، علاوه بر دستیابی به تجارب جدید در تعامل با دیگران، از محیط خوابگاه همچون خانه، عملکرد تامین حریم شخصی خود را انتظار دارند. بنابراین، میزان رضایت افراد از محیط خوابگاه، بسیار متاثر از کنترل قلمرو مکانی و تامین خلوت مطلوب آنها است. دستیابی به خلوت مطلوب در خوابگاه دانشجویی می‌تواند علاوه بر ایجاد تصویر ذهنی مثبت در ساکنین، ارتباط عاطفی میان افراد و محیط را افزایش دهد. لذا پژوهش حاضر به این مسئله که تامین خلوت مطلوب در محیط خوابگاه می‌تواند بر میزان دلبستگی دانشجویان تاثیرگذار باشد، می‌پردازد. به این منظور، پس از تشریح مفاهیم خلوت، دلبستگی به مکان و عوامل موثر بر آنها، با کمک پرسشنامه به بررسی سازوکار شکل‌گیری خلوت و سنجش وضعیت دلبستگی به مکان در خوابگاه‌های دانشجویی پرداخته شد. به همین منظور، پیمایش در سه خوابگاه از دانشگاه شیراز تحت عناوین خوابگاه‌های رودکی، ولایت و شهید دستغیب انجام شد. جهت تحلیل‌های کمی و کیفی، پیمایش از نرم‌افزار SPSS و تحلیل محتوای مصاحبه‌ها استفاده شد. نتایج پژوهش بیانگر آن بود که میزان دلبستگی ساکنین خوابگاه‌های دانشجویی از محیط زندگی‌شان، تا حد زیادی متاثر از کیفیت تامین خلوت مطلوب برای افراد در محیط خوابگاه است.

واژه‌های کلیدی

دلبستگی به مکان، خلوت مطلوب، رفتارهای تنظیم خلوت، خوابگاه دانشجویی.

مقدمه

به ویژه در ماه‌های اولیه اسکان می‌شود. وجود این تنش‌ها در سطح اجتماعی میان افراد در بسیاری از موارد علیرغم مطلوبیت کیفیت کالبدی محیط، منجر به انزجار از مکان برای این افراد شده که این امر در نهایت بر روی احساس دل‌بستگی افراد نسبت به این محیط تاثیر منفی می‌گذارد. بر این اساس، پژوهش حاضر قصد بر آن دارد که به بررسی ابعاد مختلف این موضوع پرداخته و سازوکار شکل‌گیری خلوت مطلوب برای دانشجویان ساکن خوابگاه و تاثیر این امر را بر روی میزان دل‌بستگی آنها به آن محیط مورد ارزیابی قرار دهد. لذا این پژوهش در پی پاسخ به سوالات از قرار زیر است:

- خلوت مطلوب در محیط خوابگاه‌های دانشجویی چگونه حاصل می‌آید و تابع چه عواملی است؟
- میزان دل‌بستگی افراد نسبت به خوابگاه‌هایی که در آنها ساکن هستند در چه حدی است؟
- چه ارتباطی میان تامین خلوت مطلوب و میزان دل‌بستگی افراد نسبت به محیط خوابگاه‌های دانشجویی وجود دارد؟

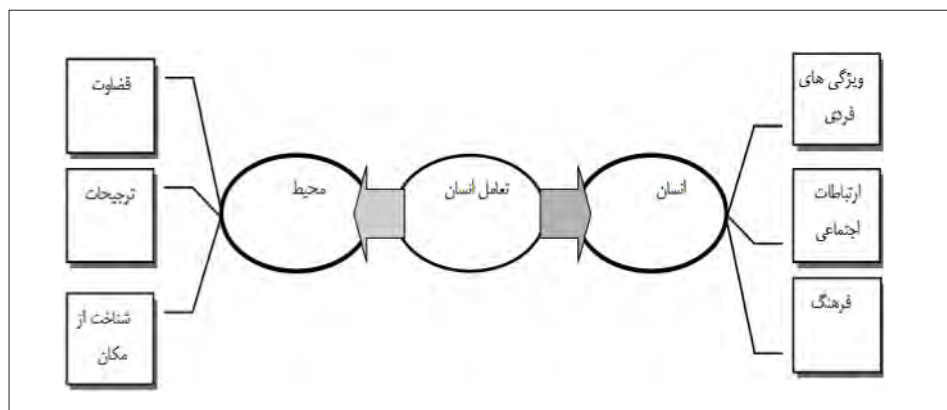
هرساله دانشجویان بسیار زیادی در سطح کشور به منظور تحصیل در دانشگاه‌های مختلف مجبور به ترک خانه خود و نقل مکان به شهر جدیدی می‌شوند. بخشی از این افراد در شهر جدید، در خانه‌های دانشجویی اسکان می‌یابند؛ این در حالی است که بخش اعظمی از این افراد در خوابگاه‌ها و پانسیون‌های دانشجویی ساکن می‌شوند. برای این قشر از دانشجویان، ترک والدین و موطن از یک طرف و مواجهه با محیط جدید و افراد متفاوت از سوی دیگر، منجر به ایجاد اختلالات زیادی در روحیات آنها می‌شود که این امر افت تحصیلی شدیدی را برای آنها به ویژه در ماه‌های اول دوره تحصیلی به همراه دارد. یکی از این نوع اختلالات، تامین خلوت مطلوب در محیط خوابگاه برای این افراد است؛ به این معنی که این افراد تا پیش از مواجهه با این سبک زندگی، الگوی خاصی برای تامین خلوت مطلوب خود داشتند، این در حالی است که زندگی در خوابگاه به عنوان گونه‌ای از مسکن اجتماعی، در بسیاری از موارد این شرایط را دچار اختلال نموده و این امر منجر به ایجاد تنش‌های زیادی میان این افراد

۱- بررسی ادبیات موضوع

۱-۱- دل‌بستگی به مکان

تعاملات بین انسان- مکان و انسان - انسان در یک مکان خاص است (Relph, 1976 & Low & Altman, 1992). دل‌بستگی به مکان به واسطه علاقه، شناخت و تجربه فرد نسبت به مکان ایجاد شده بر اساس ویژگی‌های فردی، گروهی و فرهنگی مختلف و ارتباطات اجتماعی بین آنها ابعاد مختلفی به خود می‌گیرد (Low & Altman, 1992). در واقع این امر بر اساس تعامل شناختی، عاطفی و رفتاری بین افراد، گروه‌ها و مکان کالبدی- اجتماعی، به صورت آگاهانه و ناآگاهانه در طول زمان شکل می‌گیرد (Brown & Perkins, 1992, 283) و این ارتباط عاطفی بین فرد و مکان بر پایه نحوه قضاوت‌ها، ترجیحات و شناخت او از مکان می‌باشد (Riley, 1992, 27).

رابطه نمادین ایجاد شده توسط افراد به مکان که معنای احساسی، عاطفی و فرهنگی مشترکی به یک فضای خاص می‌دهد، دل‌بستگی به مکان تعریف می‌شود و مبنایی برای درک فرد و گروه نسبت به محیط است (Low & Altman, 1992, 5). دل‌بستگی به مکان، یک بُعد از کلیت حس مکان و وابستگی عاطفی مثبت نسبت به مکان است که بین فرد و مکان توسعه می‌یابد (Stedman, 2003, 3). فرد در تعامل با محیط، رابطه خود با محیط را توسعه می‌دهد و به آن معنا می‌بخشد. در این حالت، فرد نسبت به محیط پیرامون خود حساس می‌شود و از آن مراقبت می‌کند. این امر بیش از هر چیز ناشی از فعالیت‌ها و



تصویر ۱- تعامل انسان با محیط و انسان.

به حدی که در اتمام دوره تحصیلی و زمان ترک خوابگاه، بسیار به آن وابسته می‌شوند. این در حالی است که تعدادی از افراد نیز وجود دارند که بنا به دلایل مختلف، توانایی تطبیق خود را با محیط جدید پیدا نکرده و در نهایت هیچ نوع احساسی نسبت به آن پیدا نمی‌کنند به حدی که در بعضی موارد به انزجار از آن محیط تبدیل می‌شود.

۳-۱- خلوت

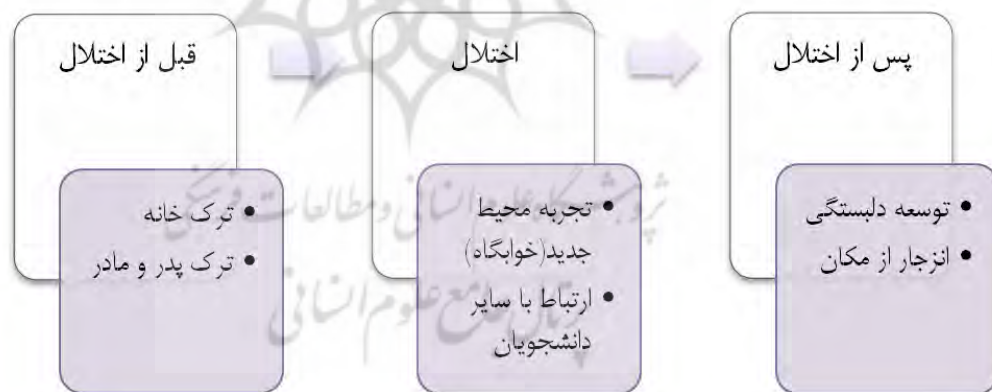
برخی از موجودات بر زندگی خود در رابطه با دیگران کنترل قابل توجهی دارند (لنگ، ۱۳۹۱، ۹۰). اکثر پژوهشگران، مفهوم خلوت را توانایی کنترل افراد یا گروه‌ها بر تعامل دیداری، شنیداری و بویایی با دیگران تعریف کرده‌اند. به عنوان مثال راپاپورت (۱۹۷۷)، خلوت را توانایی کنترل تعاملات اجتماعی، حق انتخاب و امکان تعامل اجتماعی دلخواه برای فرد تعریف می‌کند (Rapoport, 1977, 202). با این حال خلوت نباید به گوشه‌گیری و تمایل به انزوا منجر شود (Schwartz, 1968, 357). وستین، چهار نوع خلوت را برمی‌شمارد: انزوا، قرابت، گمنامی، مدارا؛ او معتقد است که خلوت، استقلال فردی^۱ را تأمین می‌کند، هیجانات^۲ را تخفیف می‌دهد، به خود ارزیابی^۳ کمک می‌کند و ارتباطات^۴ را محدود و از آن محافظت می‌کند (Westin, 1967).

مفاهیم حریم خصوصی و خلوت در معنای قانونی خود، امری عینی و در معنای روان‌شناختی، امری ذهنی هستند (Kelvin, 1973, 251). نوع و میزان خلوت مطلوب به الگوهای جاری

۲-۱- اختلال در دلبستگی به مکان

با وجود آنکه دانشجویان بصورت داوطلبانه به دانشگاه می‌روند، با این حال در جریان نقل مکان دانشجویان از خانه به محیط خوابگاه، معمولاً اختلالاتی نسبت به محیط زندگی جدیدشان برای آنها به وجود می‌آید که این امر موجب شکل‌گیری دوره‌ای پر استرس به ویژه در ماه‌های اول این جابجایی برای این افراد می‌شود (Brawn & Perkins, 1992). این اختلالات در سه مرحله شامل دوران قبل از اختلال، هنگام اختلال و بعد از اختلال قابل بررسی و ارزیابی است.

مرحله اول مرحله قبل از اختلال است. در این مرحله، دانشجویان هنوز در خانه خود ساکن است؛ با این حال آماده ترک خانه و پدر و مادر خود می‌شود. در این مرحله، دانشجویان به محیط خانه خود کاملاً وابسته است. مرحله دوم مرحله اختلال است. در این مرحله، فرد خانه خود را ترک کرده و در محیط جدید (خوابگاه) ساکن می‌شود. در این مرحله علاوه بر تغییر در محیط زندگی، محیط اجتماعی اطرافش نیز عوض می‌شود و با دانشجویان جدید آشنا می‌شود. معمولاً این تغییر در محیط فیزیکی و محیط اجتماعی دوره‌ای استرس‌زا می‌باشد. با این حال با گذشت زمان و وجود اجبار در ادامه این شیوه زندگی، تعامل فرد با مکان افزایش می‌یابد. در این صورت، سومین سطح اختلال یعنی دوران پس از اختلال شکل می‌گیرد. در این حالت بخشی از دانشجویان توانایی تطبیق خود با محیط را پیدا کرده و کم‌کم میزان دلبستگی آنها به این محیط جدید افزایش می‌یابد



تصویر ۲- مدل اختلال در دلبستگی. ماخذ: (Brawn & Perkins, 1992, 258)



تصویر ۴- عملکردهای خلوت. (Westin, 1970, 42)

تصویر ۳- عوامل سه‌گانه موثر بر نوع و میزان خلوت. (Altman, 1975, 83)

فعالیت‌ها، زمینه فرهنگی و انتظارات فردی بستگی دارد. خلوت بیش از اندازه به احساس انزوای اجتماعی، و خلوت کم به احساس ذهنی ازدحام منجر می‌شود (Altman, 1975). ازدحام با احساس عدم کنترل بر محیط همراه است و تحت تاثیر ادراک فرد از محیط قرار دارد (Rapoport, 1977, 205). استرس از عواقب منفی ناشی از احساس تراکم و ازدحام است (راپاپورت، ۱۳۹۱، ۷۷).
 تامین "فضای شخصی"^۵، یکی از ساز و کارهای دست یافتن به خلوت است. سامر، فضای شخصی را محدوده‌ای می‌داند که غیرقابل رویت است و هیچ مزاحمی به آن راه ندارد (Sommer, 1969). اگر شخص دیگری وارد این فضا شود، فرد احساس مزاحمت می‌کند و عدم رضایت خود را نشان می‌دهد (Goffman, 1963, 87).
 "شخصی‌سازی محیط یا محیط‌های شخصی‌شده"^۶، به نشانه‌گذاری و همسانی اشیای یک مکان که موجب احساس مالکیت بر آن مکان است اطلاق می‌شود (Barker, 1978). این فرایند به صورت خودآگاه و ناخودآگاه شکل می‌گیرد. شخصی‌شدن یک مکان به نوع مصالح بکاررفته در آن، شدت نیاز ساکنان به تغییر آن، منافع که در آن مکان دارند و هنجارهای اجتماعی و قوانین رسمی رایج در آن مکان بستگی دارد (Rapoport, 1967, 53). شخصی‌سازی مکان‌ها، مقاصد زیادی چون امنیت روانی، زیبایی نمادین و تطبیق محیط با نیازهای خاص را تامین می‌کند. از همه مهم‌تر، قلمرو مکانی را مشخص‌تر می‌سازد که مجموعه این عوامل، منجر به شکل‌گیری خلوت مطلوب برای افراد می‌شود. بنا به اعتقاد آلتمن (۱۹۷۵)، رفتار قلمروپایی، سازوکاری برای تنظیم حریم بین خود و دیگران است که با شخصی‌سازی و یا نشانه‌گذاری یک مکان یا یک شی، تعلق آن به یک فرد یا یک گروه مشخص می‌شود (Altman, 1975). از دیدگاه آلتمن، خلوت دارای دو جنبه است: "خلوت دلخواه"^۷ و "خلوت به دست آمده"^۸. نوع اول به مقدار تعاملات و خلوتی که فرد خواهان آن است توجه دارد و نوع دوم به میزان واقعی تعاملات و خلوت موجود در محیط اطلاق می‌شود. همچنین آلتمن بر این اعتقاد است که خلوت فرآیندی منظم است که در واقع دیالکتیک میان بیشترین تعاملات در انتهای یک بازه و کمترین تعاملات یا خلوت در ابتدای آن بازه قرار دارد. زمانی که میزان خلوت بدست آمده بیشتر از خلوت مطلوب باشد، تماس بین افراد بیش از حد شده که این امر منجر به ازدحام می‌شود و در مقابل زمانی که میزان خلوت بدست آمده کمتر از خلوت مطلوب باشد، سطح تعاملات اجتماعی میان افراد کاهش یافته که این امر منجر به انزوای فرد می‌شود (Altman, 1975).

اولین پژوهش‌هایی که در ارتباط با بررسی مفهوم خلوت انجام گرفت، بر مبنای استفاده از روش‌های تحلیل رفتاری بود. در این روش، پژوهشگر با بررسی یک رفتار خاص در فرد، به بررسی نوع و میزان خلوت‌گزینی در وی می‌پردازد. به عنوان مثال وینستین (۱۹۸۲) با استفاده از این روش، به بررسی نیاز به خلوت در کودکان پرداخت. در این تحقیق وی با مشاهده بازی کودک، به تحلیل رفتار خلوت‌گزینی کودک پرداخت. (Wein-

stein, 1982, 26). اشکال وارد بر این روش، توجه صرف به تنها یک رفتار خاص در تحلیل نیاز به خلوت فرد بود. به همین منظور در راستای توسعه این روش، سعی در ارزیابی میزان خلوت مطلوب برای افراد بر اساس تحلیل چند رفتار در آنها شد. در همین راستا در پژوهشی که توسط ونسل و همکارانش (۱۹۸۰) انجام گرفت، ۹ رفتار تماس‌گزینی و ۹ رفتار تماس‌گریزی را در گروهی از دانشجویان مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیق آنها نشان داد که افرادی که ترک تحصیل می‌کنند، کمتر از دیگر افراد به این رفتارها متمایلند و میزان رضایت‌مندی کمتری نسبت به تاثیرگذاری این رفتارها دارند (Vinsel et al., 1980, 1107). در همین راستا هنس و همکارانش (۲۰۰۷) نیز به ارزیابی نیاز به خلوت در تعدادی از دانشجویان با تحلیل چند رفتار آنها پرداختند. آنها در پژوهش خود، دو مفهوم متقابل با یکدیگر شامل نیاز به خلوت و نیاز به تعاملات اجتماعی را بر تعدادی از دانشجویان مورد بررسی قرار دادند که در این خصوص، رفتارهای مختلف افراد در ارتباط با تامین این دو مفهوم مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج تحقیق آنها نشان داد که دانشجویانی که به تامین خلوت بیشتری بها می‌دهند، سطح تعاملات اجتماعی آنها با سایر افراد کاهش می‌یابد و برعکس با افزایش سطح تعاملات اجتماعی در دانشجویان، رفتارهای تامین خلوت در آنها، کاهش می‌یابد (Haans et al., 2007, 95). کایا و وبر (۲۰۰۳) در پژوهشی دیگر نشان دادند که دانشجویانی که در خوابگاه‌های دانشجویی زندگی می‌کنند، در اکثر مواقع از شدت ازدحام رنج می‌برند و خواهان میزان بیشتری از خلوت هستند. از سویی، در صورت عدم وجود میزان بهینه خلوت، امکان بهره‌مندی از عملکردهای خلوت نیز کاهش می‌یابد که این امر منجر به شکل‌گیری اختلالات مختلف در رفتارهای این افراد شده و در نهایت مانع شکوفایی شخصیت آنها می‌شود (Kaya & Weber, 2003, 303).
 در حوزه ارتباط میان دو مفهوم خلوت و دلبستگی به مکان که موضوع نوشتار حاضر نیز می‌باشد، پژوهش‌های اندکی صورت گرفته است. در این ارتباط آلتمن (۱۹۷۵) اولین فردی بود که به وجود این ارتباط اشاره نمود. در پژوهشی دیگر، هریس و همکارانش شواهدی یافتند که نشان می‌داد افرادی که در محل زندگی‌شان امکان دستیابی به خلوت بیشتری را داشته‌اند، دلبستگی بیشتری نیز نسبت به آن مکان پیدا کرده‌اند (Harris et al., 1995, 318). آنها دریافتند که افرادی که در خانه‌های تیمی ساکن هستند و میزان رضایت‌مندی آنها از دستیابی به خلوت مطلوب برایشان بیشتر است، سطح بالاتری از دلبستگی به مکان را نیز پیدا کرده‌اند. بر این اساس چنین به نظر می‌رسد که هر فرد که بتواند در نظم‌دهی به خلوت مورد نظر خود موفق‌تر باشد، می‌تواند میزان دلبستگی خود به مکان را نیز تقویت کند (Harris et al., 1996). در عین حال هریس و همکاران در تحقیقاتی که در ۱۹۹۵ ارایه دادند، به ارتباط میان خلوت، دلبستگی به مکان و رفاه پرداختند. آنها ادعا داشتند که کاربرانی که نمره بالاتری به رفاه و آسایش در مکان زندگی خود می‌دهند، سطح بالاتری از دلبستگی به مکان را نیز دارا هستند (Harris et al., 1995, 319). همچنین وینسل و همکارانش

فعالیت‌ها، زمینه فرهنگی و انتظارات فردی بستگی دارد. خلوت بیش از اندازه به احساس انزوای اجتماعی، و خلوت کم به احساس ذهنی ازدحام منجر می‌شود (Altman, 1975). ازدحام با احساس عدم کنترل بر محیط همراه است و تحت تاثیر ادراک فرد از محیط قرار دارد (Rapoport, 1977, 205). استرس از عواقب منفی ناشی از احساس تراکم و ازدحام است (راپاپورت، ۱۳۹۱، ۷۷).
 تامین "فضای شخصی"^۵، یکی از ساز و کارهای دست یافتن به خلوت است. سامر، فضای شخصی را محدوده‌ای می‌داند که غیرقابل رویت است و هیچ مزاحمی به آن راه ندارد (Sommer, 1969). اگر شخص دیگری وارد این فضا شود، فرد احساس مزاحمت می‌کند و عدم رضایت خود را نشان می‌دهد (Goffman, 1963, 87).
 "شخصی‌سازی محیط یا محیط‌های شخصی‌شده"^۶، به نشانه‌گذاری و همسانی اشیای یک مکان که موجب احساس مالکیت بر آن مکان است اطلاق می‌شود (Barker, 1978). این فرایند به صورت خودآگاه و ناخودآگاه شکل می‌گیرد. شخصی‌شدن یک مکان به نوع مصالح بکاررفته در آن، شدت نیاز ساکنان به تغییر آن، منافع که در آن مکان دارند و هنجارهای اجتماعی و قوانین رسمی رایج در آن مکان بستگی دارد (Rapoport, 1967, 53). شخصی‌سازی مکان‌ها، مقاصد زیادی چون امنیت روانی، زیبایی نمادین و تطبیق محیط با نیازهای خاص را تامین می‌کند. از همه مهم‌تر، قلمرو مکانی را مشخص‌تر می‌سازد که مجموعه این عوامل، منجر به شکل‌گیری خلوت مطلوب برای افراد می‌شود. بنا به اعتقاد آلتمن (۱۹۷۵)، رفتار قلمروپایی، سازوکاری برای تنظیم حریم بین خود و دیگران است که با شخصی‌سازی و یا نشانه‌گذاری یک مکان یا یک شی، تعلق آن به یک فرد یا یک گروه مشخص می‌شود (Altman, 1975). از دیدگاه آلتمن، خلوت دارای دو جنبه است: "خلوت دلخواه"^۷ و "خلوت به دست آمده"^۸. نوع اول به مقدار تعاملات و خلوتی که فرد خواهان آن است توجه دارد و نوع دوم به میزان واقعی تعاملات و خلوت موجود در محیط اطلاق می‌شود. همچنین آلتمن بر این اعتقاد است که خلوت فرآیندی منظم است که در واقع دیالکتیک میان بیشترین تعاملات در انتهای یک بازه و کمترین تعاملات یا خلوت در ابتدای آن بازه قرار دارد. زمانی که میزان خلوت بدست آمده بیشتر از خلوت مطلوب باشد، تماس بین افراد بیش از حد شده که این امر منجر به ازدحام می‌شود و در مقابل زمانی که میزان خلوت بدست آمده کمتر از خلوت مطلوب باشد، سطح تعاملات اجتماعی میان افراد کاهش یافته که این امر منجر به انزوای فرد می‌شود (Altman, 1975).
 اولین پژوهش‌هایی که در ارتباط با بررسی مفهوم خلوت انجام گرفت، بر مبنای استفاده از روش‌های تحلیل رفتاری بود. در این روش، پژوهشگر با بررسی یک رفتار خاص در فرد، به بررسی نوع و میزان خلوت‌گزینی در وی می‌پردازد. به عنوان مثال وینستین (۱۹۸۲) با استفاده از این روش، به بررسی نیاز به خلوت در کودکان پرداخت. در این تحقیق وی با مشاهده بازی کودک، به تحلیل رفتار خلوت‌گزینی کودک پرداخت. (Wein-

و نیز مشاهدات، با استفاده از روش تحلیل محتوا و نیز استدلال منطقی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

در این پژوهش به منظور انتخاب حجم نمونه، از روش نمونه‌گیری احتمالی کنترل شده استفاده شده است. از این روش به منظور محاسبه حجم نمونه در چند جامعه آماری با جمعیت نامتناسب استفاده می‌شود. به این معنی که زمانی که هر کدام از نمونه‌های موجود در جامعه آماری مورد نظر، دارای شانس انتخاب یکسان و احتمال انتخاب غیرصفر باشند و از طرفی انتخاب در گروه‌های مختلف با توازن جمعیتی متفاوت مدنظر باشد، به منظور کاهش خطا و همچنین افزایش سطح اعتماد، می‌توان به مقادیر حجم به دست آمده از گروه‌های مختلف، به نسبت جمعیت آن گروه، وزنی ثابت داد؛ به نحوی که حجم نمونه در هر کدام از جوامع مورد نظر، بالاتر از حد تعیین شده برای آنها شود. در این حالت، حجم نمونه برای گروه‌های مختلف می‌تواند مقداری یکسان در نظر گرفته شود (ببی، ۱۳۸۷، ۴۶۴). در پژوهش حاضر، با توجه به جمعیت کل مجموع سه خوابگاه که معادل ۱۶۹۰ نفر است و با استناد به فرمول کوکران، حجم نمونه ۳۲۳ نفر به دست آمده است. در این حالت، براساس روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای، حجم نمونه در خوابگاه رودکی معادل ۵۹ نفر، در خوابگاه ولایت معادل ۸۸ نفر و در خوابگاه شهید دستغیب ۱۷۶ نفر به دست می‌آید. همانگونه که مشاهده می‌شود، مقدار حجم نمونه به دست آمده در خوابگاه رودکی و ولایت پایین بوده و این موضوع احتمال وقوع خطا در محاسبات را افزایش می‌دهد (رفیع پور، ۱۳۸۰، ۳۹۰). در این حالت و با توجه به همسانی جوامع تحقیق از نظر زمانی، مکانی و موضوعی (ازکیا و دربان‌آستانه، ۱۳۸۲، ۲۷۲) و همچنین با تکیه بر مبانی روش نمونه‌گیری احتمالی کنترل شده (ببی، ۱۳۸۷)، مقادیر حجم نمونه مربوط به سه خوابگاه رودکی، ولایت و شهید دستغیب، به ترتیب در ضرایب وزنی ۳/۶، ۲/۴ و ۱/۲ ضرب گردید و به این ترتیب مقدار حجم نمونه یکسان ۲۱۲ نفر برای هر سه خوابگاه در نظر گرفته شد.

۳- بررسی نمونه‌های موردی

خوابگاه رودکی: این خوابگاه در خیابان زند واقع شده است که در آن دانشجویان رشته‌های پزشکی و پیراپزشکی اسکان دارند. این خوابگاه با ظرفیت ۳۵۰ نفر دارای ۸۱ اتاق در ۴ طبقه و با ظرفیت‌های ۳ و ۴ و ۶ نفره می‌باشد. این خوابگاه متشکل از دابلوک متصل به هم است که هر طبقه آن، دارای دو واحد مجزا با سه اتاق با ظرفیت‌های متفاوت است. حمام و سرویس بهداشتی و آشپزخانه در هر واحد به صورت مشترک مورد استفاده قرار می‌گیرد. امکانات خوابگاه شامل آسانسور، سالن مطالعه، سالن اینترنت، سالن بدنسازی، سالن مطالعه و نمازخانه است. این خوابگاه فاقد محوطه باز و حیاط است.

خوابگاه ولایت: این خوابگاه یکی از مجموعه خوابگاه‌های موجود در مجموعه خوابگاهی ارم است. خوابگاه در چهار طبقه ساخته شده است که هر طبقه دارای ۱۲ اتاق می‌باشد. این خوابگاه

(۱۹۸۰)، خلوت را عنصر پایه‌ای در دستیابی به رفاه و آسایش قلمداد می‌کند. بعلاوه پژوهشگرانی مانند (Stokols & Shumaker, 1982) اظهار داشتند که دلبستگی به مکان با رفاه و آسایش همبسته است. در پژوهش دیگری که توسط مک اندرو (۱۹۹۸) انجام شده است، نشان داده شد که افرادی که به سطح بالاتری از دلبستگی به مکان دست می‌یابند، بیش از پیش در مکان ریشه می‌دانند و کمتر تمایل به تغییر محیط خود دارند. این افراد احساس خلوت بیشتری را در محیط زندگی خود تجربه می‌کنند و کنترل بیشتری نیز بر محیط پیرامون خود دارند (McAndrew, 1998, 411).

۲- روش تحقیق

همانگونه که پیش از این نیز مطرح گردید، هدف اصلی از پژوهش حاضر، بررسی رابطه میان دو مفهوم خلوت و دلبستگی به مکان برای دانشجویان ساکن خوابگاه‌های دانشجویی است. بر این اساس، فرضیه اصلی این تحقیق به این صورت قابل ارائه است که: «تامین شرایط خلوت مطلوب برای دانشجویان ساکن خوابگاه‌های دانشجویی، بر شکل‌گیری احساس دلبستگی آنها به محیط خوابگاه تاثیرگذار است». لذا در این خصوص ارزیابی میزان تامین خلوت مطلوب و نیز میزان دلبستگی به محیط خوابگاه برای دانشجویان ساکن در آنها و ارزیابی علل این موارد امری ضروری به نظر می‌رسد. بر این اساس، در این پژوهش از دو روش کمی و کیفی به مسئله پرداخته شد.

گردآوری اطلاعات در بُعد کمی با استفاده از پرسشنامه بسته و در بُعد کیفی با استفاده از ابزارهای مصاحبه و نیز مشاهده مستقیم انجام گرفت. در پرسشنامه بسته، سوالاتی به منظور ارزیابی میزان دلبستگی دانشجویان به محیط خوابگاه و نیز میزان تامین خلوت مطلوب برای آنها در محیط خوابگاه طرح گردید. این سوالات در سه بخش طراحی شد. در بخش اول میزان دلبستگی افراد به محیط خوابگاه در دو بُعد کالبدی و اجتماعی مورد پرسش قرار گرفت. در بخش دوم به بررسی مفهوم خلوت پرداخته شد و میزان خلوت‌گریزی و یا خلوت‌گزینی افراد مورد سنجش قرار گرفت. در بخش سوم، میزان مطلوبیت فضا از نقطه نظر تامین خلوت مطلوب برای دانشجویان مورد سنجش واقع شد. هدف از طرح پرسشنامه باز، بررسی علل و عواملی بود که بر دلبستگی و یا تامین خلوت برای دانشجویان در محیط خوابگاه تاثیرگذار هستند. در این بخش پرسش‌هایی در باب اینکه فرد به کدام مکان‌های خوابگاه دلبستگی بیشتری دارد و یا اینکه چه مکان‌هایی را برای تامین خلوت مورد نیاز خود انتخاب می‌کند و نیز دلایل آنها، طرح گردید. این سوالات در انتهای پرسشنامه بسته قرار گرفت. در بخش مشاهده نیز به بررسی رفتارهای مختلف افراد به منظور تامین خلوت مطلوب‌شان پرداخته شد. داده‌های حاصل از پرسشنامه بسته در نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و به منظور تحلیل داده‌ها از آزمون‌های تحلیل واریانس یک طرفه آنووا، آزمون همبستگی پیرسون با خط رگرسیون و آزمون تی استفاده شد. داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها

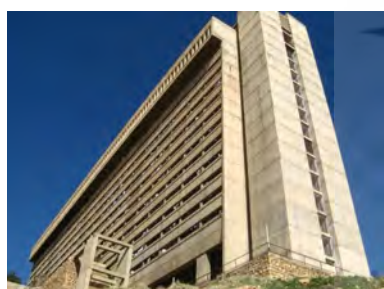
F، میزان تامین خلوت مطلوب و همچنین میزان دل‌بستگی افراد به هر کدام از خوابگاه‌های مورد مطالعه، به تفکیک مورد سنجش قرار گرفت که نتایج آن در قالب جدول ۱ و ۲ آورده شده است. داده‌های حاصل از جدول ۱ نشان می‌دهد که سطح معناداری در آزمون F برای دو متغیر نوع خوابگاه و تامین خلوت مطلوب در هر سه خوابگاه، کمتر از ۰,۰۵ به دست آمده است (به میزان ۰,۰۰۱). این امر نشان از آن دارد که میزان تامین خلوت مطلوب در خوابگاه‌های مختلف متفاوت از یکدیگر است که این موضوع در خوابگاه شهید دستغیب بیش از دیگر خوابگاه‌ها مشاهده شده است. داده‌های حاصل از جدول ۲ نشان می‌دهد که سطح معناداری در آزمون F برای دو متغیر نوع خوابگاه و میزان دل‌بستگی اجتماعی و کالبدی در هر سه خوابگاه، کمتر از ۰,۰۵ به دست آمده است. این موضوع دلالت بر آن دارد که میزان دل‌بستگی افراد (هم در بعد کالبدی و هم در بعد اجتماعی) نسبت به محیط خوابگاه متفاوت از یکدیگر است. با این حال با مقایسه میانگین‌های به دست آمده، این موضوع نمایان می‌شود که در خوابگاه‌های دانشجویی، بطور کلی مقدار دل‌بستگی اجتماعی بیش از دل‌بستگی کالبدی شکل می‌گیرد. این نتیجه به واسطه ماهیت محیط خوابگاه که یک مسکن اجتماعی موقت است، قابل پیش‌بینی بود. با این حال آنچه در تامین خلوت مطلوب برای افراد حائز اهمیت است، ویژگی‌های کالبدی محیط است.

به صورت راهبردی است و اتاق‌ها اغلب ظرفیت شش نفر را دارند. اتاق‌ها دارای یک تراس و امکاناتی نظیر تخت و کمد می‌باشد. در هر طبقه یک آشپزخانه و چندین سرویس بهداشتی و حمام مشترک وجود دارد. این خوابگاه دارای محوطه و فضای سبز نیز می‌باشد.

خوابگاه شهید دستغیب: این خوابگاه در پردیس ارم دانشگاه شیراز واقع شده است و محوطه بسیار بزرگی دارد که مشرف بر شهر شیراز است. این خوابگاه با ظرفیت ۸۶۰ نفر در ۱۰ طبقه و ۴۶۲ اتاق ساخته شده است. در این خوابگاه امکاناتی از قبیل سلف سرویس، کافینت، آسانسور، سالن ورزشی و بدنسازی، زمین چمن، آبدارخانه، قرائت‌خانه و کتابخانه وجود دارد. اتاق‌ها اغلب به صورت یک تخته و یا حداکثر دو تخته و دارای میز مطالعه و کمد هستند.

۴- تجزیه و تحلیل داده‌ها

همانگونه که پیش از این مطرح شد، هدف اصلی این پژوهش، یافتن ارتباط میان دو مفهوم دل‌بستگی به مکان و مفهوم خلوت است. لذا به منظور بررسی فرضیه مطرح شده در این خصوص، ابتدا می‌بایست میزان دل‌بستگی افراد به هر کدام از خوابگاه‌ها و نیز میزان تامین خلوت در آن خوابگاه‌ها به تفکیک مورد سنجش قرار گیرد سپس در مرحله بعد ارتباط میان این دو متغیر به آزمون گذارده شود. لذا در مرحله اول با استفاده از آزمون



تصویر ۷- خوابگاه شهید دستغیب



تصویر ۶- خوابگاه ولایت



تصویر ۵- خوابگاه رودکی

جدول ۱- نتایج آزمون F در خصوص سنجش میزان خلوت مطلوب در هر کدام از خوابگاه‌های نمونه موردی.

مربعیات اتا	اتا	سطح معناداری	F	میانگین اکتسابی گروه‌ها		متغیر وابسته	متغیر مستقل
۰/۰۹۵	۰/۳۰۸	۰/۰۰۰۱	۱۲/۲۸	۲/۱۲	رودکی	مطلوبیت از نظر تامین خلوت	خوابگاه
				۲/۱۹	ولایت		
				۲/۲۸	دستغیب		

جدول ۲- نتایج آزمون F در خصوص سنجش میزان دل‌بستگی اجتماعی و کالبدی افراد نسبت به هر کدام از خوابگاه‌های نمونه موردی.

مربعیات اتا	اتا	سطح معناداری	F	میانگین اکتسابی گروه‌ها		متغیر وابسته	متغیر مستقل
۰/۰۲۸	۰/۱۶۷	۰/۰۴	۳/۳۶	۳/۴۰	رودکی	دل‌بستگی اجتماعی	خوابگاه
				۳/۲۲	ولایت		
				۳/۰۱	دستغیب		
۰/۰۱۲	۰/۱۱۲	۰/۰۲	۱/۴۸	۲/۷۲	رودکی	دل‌بستگی کالبدی	خوابگاه
				۲/۵۹	ولایت		
				۲/۸۸	دستغیب		

دو طیف خلوت‌گزین و خلوت‌گریز تقسیم شدند. خلوت‌گزین‌ها افرادی هستند که ترجیح می‌دهند در محیط اجتماعی خوابگاه، بیشتر خلوت اختیار کنند و تعاملات اجتماعی کنترل شده‌ای را تجربه کنند، در مقابل افراد خلوت‌گریز، بیشتر ترجیح می‌دهند که تعاملات اجتماعی خود را گسترش دهند. خلوت‌گریزها و خلوت‌گزین‌ها با استناد به سطح دوم پرسشنامه، از یکدیگر تفکیک شدند. جدول ۴، نتایج آزمون تی در خصوص میزان مطلوبیت هرکدام از خوابگاه‌های نمونه موردی را برای دو طیف خلوت‌گریز و خلوت‌گزین نشان می‌دهد.

همانگونه که از نتایج جدول ۴ نمایان است، در دو خوابگاه رودکی و ولایت، تفاوت معناداری میان دو گروه خلوت‌گریز و خلوت‌گزین در مطلوبیت محیط خوابگاه مشاهده نشده است، این در حالی است که در خوابگاه شهید دستغیب، سطح معنی‌داری کمتر از ۰٫۰۵ بدست آمده است. این امر نشان می‌دهد که تنها در خوابگاه دستغیب است که میان دیدگاه افراد نسبت به خلوت تفاوت وجود دارد. همان‌گونه که از میانگین داده‌های مربوط به خوابگاه دستغیب مشاهده می‌شود، در این خوابگاه تمایل به خلوت (خلوت‌گزینی) بیشتر از تمایل به برقراری تعاملات اجتماعی (خلوت‌گریزی) است. این امر تبیین‌کننده این مفهوم است که در خوابگاه شهید دستغیب، به دلیل قابلیت‌های محیطی که به واسطه نوع طراحی آن وجود دارد، امکان تامین خلوت برای افراد ساکن در آن بیشتر وجود داشته و لذا این افراد تمایل بیشتری نسبت به خلوت‌گزینی دارند. در عین حال معنادار نشدن مطلوبیت خلوت برای ساکنین دو خوابگاه رودکی و ولایت نیز حاکی از این است که در این دو خوابگاه، نوع سازماندهی فضایی، امکان انتخاب و یا تامین خلوت را برای افراد کمتر فراهم می‌کند که در ادامه علل این موضوع با تحلیل ساختار فضایی این سه نمونه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

لذا این پژوهش نیز میزان دلبستگی کالبدی افراد به محیط خوابگاه را مبنای تحلیل‌های خود قرار داده است. در این حالت و با بررسی نتایج جدول فوق مشاهده می‌شود که در خوابگاه شهید دستغیب، میزان دلبستگی کالبدی افراد در محیط خوابگاه با میانگین اکتسابی ۲٫۸۸ بیش از سایر خوابگاه‌ها می‌باشد. پس از ارزیابی وضعیت تامین خلوت و نیز میزان دلبستگی هر کدام از ساکنین خوابگاه‌های نمونه موردی نسبت به خوابگاه مورد سکونت خویش، در این بخش به بررسی رابطه میان این دو متغیر با استفاده از آزمون همبستگی پرداخته می‌شود که نتایج آن در جدول ۳ آورده شده است.

همانگونه که از داده‌های جدول ۳ نمایان است، در آزمون انجام‌شده، سطح معناداری کمتر از ۰٫۰۵ به دست آمده است که این امر نشان‌دهنده وجود ارتباط معنی‌دار میان دو متغیر دلبستگی به مکان و تامین خلوت است. با توجه به مقادیر ضریب همبستگی، این موضوع استنباط می‌شود که در خوابگاه شهید دستغیب، میزان دلبستگی افراد به محیط خوابگاه، بیش از سایر خوابگاه‌ها و به واسطه تامین خلوت مطلوب برای آنها به دست آمده است. لذا فرضیه پژوهش مورد تایید قرار گرفت و می‌توان چنین ادعا نمود که هرچه محیط خوابگاه، زمینه شکل‌گیری خلوت بیشتری را برای دانشجویان و ساکنان آن فراهم آورده باشد، دلبستگی بیشتری برای دانشجویان نسبت به آن محیط ایجاد می‌شود. پس از بررسی میزان دلبستگی افراد به محیط خوابگاه و همچنین ارزیابی میزان تامین خلوت در هر کدام از خوابگاه‌های نمونه موردی و رابطه میان این دو مفهوم، به بررسی وضعیت محیط کالبدی خوابگاه بر ایجاد شرایط مناسب برای خلوت پرداخته شد. بر این اساس، جامعه آماری ساکن در خوابگاه‌ها به

جدول ۳- بررسی ارتباط میان خلوت و دلبستگی به مکان.

متغیر وابسته	متغیر مستقل	خوابگاه	تعداد	همبستگی پیرسون	سطح معناداری
دلبستگی	خلوت	رودکی	۲۱۲	۰/۳۷۰	۰/۰۰۱
		ولایت	۲۱۲	۰/۴۴۰	۰/۰۰۱
		شهید دستغیب	۲۱۲	۰/۵۸۸	۰/۰۰۱
		همبستگی کل	۶۳۶	۰/۴۲۷	۰/۰۰۱

جدول ۴- مطلوبیت خوابگاه‌های دانشجویی به تفکیک برای دو طیف خلوت‌گریز و خلوت‌گزین.

متغیر مورد بررسی	خوابگاه	گروه‌های مستقل	آزمون تی		
			میانگین	نمره تی	درجه آزادی
مطلوبیت	رودکی	خلوت‌گریز	۲/۰۵	-۱/۷۶	۷۰
		خلوت‌گزین	۲/۳۳		۳۷/۰۵
	ولایت	خلوت‌گریز	۲/۱۳	-۰/۵۴۸	۱۱۱
		خلوت‌گزین	۲/۲۱		۶۹/۳
دستغیب	خلوت‌گریز	۲/۴۳	-۲/۹۶	۵۰	
	خلوت‌گزین	۲/۹۳		۴۸/۲	

۵- بحث

«در خوابگاه به سختی می‌توانم محیطی پیدا کنم که دقایقی را با خودم تنها باشم و گاهی ترجیح می‌دهم بجای رفتن به اتاقم و یا... از حمام برای خلوت کردن بدون مزاحمت دیگران استفاده نمایم...»
دانشجوی ۱۹ ساله دیگری در خوابگاه رودکی از ازدحام در محیط خوابگاه ابراز ناراحتی می‌کرد و عنوان کرد که:

«در خوابگاه با خود بودن معنی ندارد هرگاه به تنهایی نیاز داشته باشم محیط مرا مایوس می‌کند چون مکان خلوتی وجود ندارد. بهر حال هر وقت بخواهم لحظاتی تنها باشم ترجیح می‌دهم بیرون از خوابگاه باشم و به پیاده روی بروم...»
دانشجوی دیگری در خوابگاه ولایت ادعا داشت که:

«در محیط خوابگاه فضای مناسبی برای خلوت کردن وجود ندارد. با این حال هر وقت نیاز به تنهایی داشته باشم به محوطه اطراف خوابگاه مراجعه می‌کنم و از بودن در این مکان لذت می‌برم» همان گونه که از مصاحبه‌های فوق برمی‌آید و مطابق مشاهدات، در خوابگاه رودکی در هر طبقه شش اتاق وجود دارد که این اتاق‌ها دارای جمعیت متفاوتی هستند. لذا تراکم اتاق‌ها نسبت به امکانات موجود در اتاق بسیار زیاد است. به همین علت در مصاحبه‌های متعدد، بسیاری از دانشجویان فضاهای سرویس دهنده خوابگاه مانند راه پله، حمام و... را به عنوان مکانی برای خلوت‌گزینی انتخاب می‌نمایند. از سویی این افراد از عدم وجود محوطه باز و فضای سبز در این خوابگاه ناراضی بودند و برای تامین این نیاز خود، با وجود محدودیت‌های زمانی در ورود و خروج، به بوستان‌های بیرون از خوابگاه مراجعه می‌نمودند. این در حالی است که وجود فضای سبز در محوطه

داده‌های به دست آمده از بخش قبل نشان داد که خوابگاه شهید دستغیب دارای بالاترین میانگین از نظر میزان دلبستگی کالبدی و نیز مطلوب‌ترین فضا از نظر تامین خلوت برای دانشجویان ساکن آن می‌باشد. مصاحبه‌های انجام شده نیز حاکی از وجود این ارتباط میان دو متغیر دلبستگی به مکان و خلوت افراد است به نحوی که می‌توان از نتایج مصاحبه‌های انجام گرفته نیز به وجود این ارتباط پی برد. در ادامه بخشی از مصاحبه‌ها آورده شده است. به عنوان مثال مصاحبه یک دانشجوی ۲۴ ساله در خوابگاه شهید دستغیب به شرح زیر است: «وقتی که خسته از دانشگاه برمی‌گردم ترجیح می‌دهم دقایقی در اتاقم استراحت کنم و خود را بازیابی کنم، محیط اتاقم فضای دنجی برای خلوت کردن با خودم است و در آنجا کسی مزاحم نیست...»

دانشجوی دیگری این مطلب را عنوان می‌کرد که:

«برای خلوت کردن با خودم در محیط خوابگاه، در اتاقم راحت هستم اما هرگاه به تمرکز بیشتر نیاز داشته باشم، مخصوصاً هنگام مطالعه ترجیح می‌دهم به محیط آرام‌تری بروم و معمولاً به کتابخانه مراجعه می‌کنم.»

همانطور که از مصاحبه‌ها مشخص است و از طرفی با مشاهده شرایط و امکانات اتاق‌ها در خوابگاه دانشجویی شهید دستغیب، دیده می‌شود که اتاق‌ها دارای ابعاد مناسبی هستند به نحوی که پاسخگوی نیاز افراد برای استراحت و خلوت با خود می‌باشند. از آنجا که جمعیت اسکان یافته در هر اتاق در این خوابگاه حداکثر یک یا دو نفر می‌باشد، لذا امکان ایجاد محیط شخصی و قلمرو مشخص وجود دارد. هر فرد در اتاق خود امکاناتی نظیر کمد، کتابخانه و میز مطالعه شخصی دارد که این امر منجر به افزایش احساس استقلال دانشجویان در استفاده از اتاق می‌شود. در اتاق‌هایی که تعداد افراد ساکن در آن دو نفر است، برخی از دانشجویان بخصوص در ایام امتحانات از سالن مطالعه استفاده می‌نمایند.

دانشجوی ۲۱ ساله که در خوابگاه رودکی ساکن است در ارتباط با محیط این خوابگاه چنین اذعان داشت که:



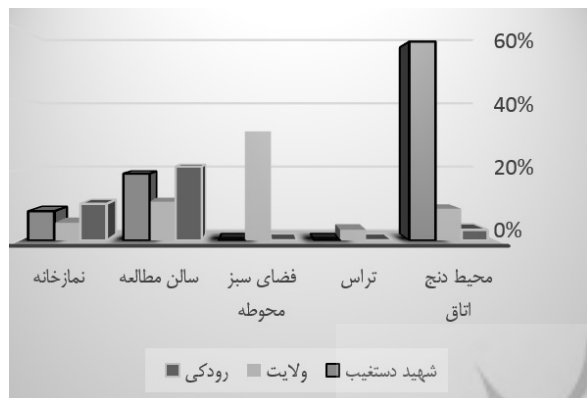
تصویر ۸- میانگین خلوت‌گزینی در فضاهای مطلوب و نامطلوب خوابگاه‌ها.

جدول ۵- فراوانی فضاهای مطلوب و نامطلوب برای خلوت‌گزینی در سه خوابگاه رودکی، ولایت، شهید دستغیب.

فضای مطلوب	خوابگاه			فضای نامطلوب	خوابگاه		
	رودکی	ولایت	شهید دستغیب		رودکی	ولایت	شهید دستغیب
اتاق	۳٪	۹٪	۵۶.۵٪	سرویس بهداشتی و حمام	۵٪	۳.۱٪	۰٪
تراس	۰٪	۳٪	۰٪	راه پله و راهرو	۲۳.۳٪	۱۸.۶٪	۳.۸٪
فضای سبز محوطه	۰٪	۳۱٪	۰٪	سالن تلویزیون	۱۵.۱٪	۵٪	۳.۱٪
سالن مطالعه	۲۱٪	۱۱٪	۱۹٪	بیرون از خوابگاه	۱۶.۲٪	۸.۳٪	۹.۳٪
نمازخانه	۱۰.۴٪	۵٪	۸.۳٪	آشپزخانه	۶٪	۵٪	۰٪
مجموع خلوت‌گزینی	۳۴.۴٪	۵۹٪	۸۳.۸٪	مجموع خلوت‌گزینی	۶۵.۶٪	۴۱٪	۱۶.۲٪
میانگین خلوت‌گزینی	۶.۸۸٪	۱۱.۸٪	۱۶.۷۸٪	میانگین خلوت‌گزینی	۱۲.۱۲٪	۸.۲٪	۳.۲۴٪

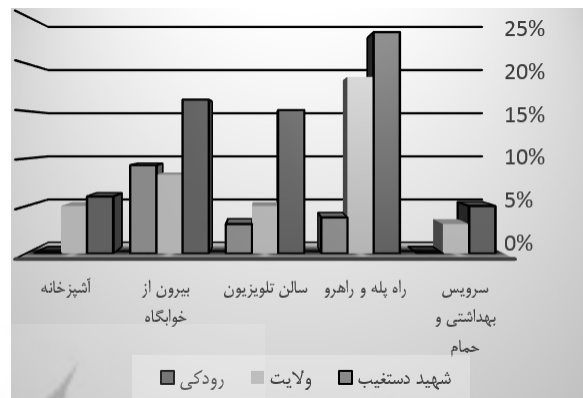
اتاق، سالن مطالعه و... و فضای نامطلوب (شامل: سرویس بهداشتی، حمام و راه پله و...) دسته‌بندی شد که در جدول ۵ آورده شده است.

همانگونه که از داده‌های جدول ۵ نمایان است، ۸۳٫۸ درصد دانشجویانی که در خوابگاه شهید دستغیب ساکن هستند، خلوت مورد نظر خود را از بین فضاهای مطلوب انتخاب نموده‌اند، این در حالی است که در خوابگاه رودکی ۳۴ درصد دانشجویان، خلوت مورد نظر خود را از بین فضاهای مطلوب بدست آورده و ۶۵٫۶



تصویر ۱۰- ارزیابی میزان خلوت گزینی در فضاهای مطلوب به تفکیک.

خوابگاه ولایت، علاوه بر ایجاد فضای سرزنده، محل مناسبی برای تامین خلوت مطلوب برای ساکنین آن نیز فراهم می‌نماید. پس از بررسی مصاحبه‌های انجام گرفته، مجدداً داده‌های پرسشنامه بررسی شد و فراوانی فضاهایی که ساکنین خوابگاه‌های مختلف در رابطه با مکان انتخابی جهت خلوت به آن اشاره نمودند، در قالب جدولی گردآوری شد. به منظور دسته‌بندی و جهت‌دار نمودن پاسخ‌ها، مکان‌های اشاره شده توسط افراد به دو گروه فضاهای مطلوب (شامل: فضای سبز،



تصویر ۹- ارزیابی میزان خلوت گزینی در فضاهای نامطلوب به تفکیک.

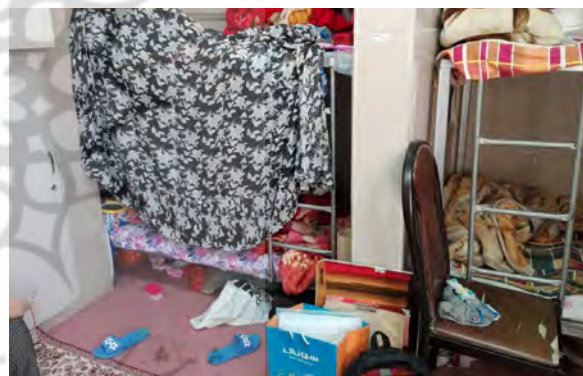
جدول ۶- ویژگی‌های فضایی مربوط به خوابگاه‌های رودکی، ولایت و شهید دستغیب و میزان استفاده از فضاهای مطلوب و نامطلوب جهت تامین خلوت.

عنوان فضا	ویژگی محیطی			میزان استفاده جهت تامین خلوت		
	دستغیب	ولایت	رودکی	دستغیب	ولایت	رودکی
اتاق	- کم بودن تعداد ساکنین در اتاق - پایین بودن نسبت تراکم به فضای اتاق	- زیاد بودن تعداد ساکنین در اتاق - کوچک بودن فضای اتاق	- زیاد بودن تعداد ساکنین در اتاق	استفاده زیاد	استفاده کم	استفاده کم
تراس	- فاقد تراس	- دارای تراس - افزایش ارتفاع جان پناه تا ارتفاع ۱٫۹۰ - تبدیل شدن به انبار وسایل	- فاقد تراس	عدم استفاده	استفاده کم	عدم استفاده
فضای سبز محوطه	- فاقد فضای سبز در محوطه	- دارای فضای سبز در محوطه - عدم امکان استفاده در ماه‌های سرد و ماه‌های گرم سال	- فاقد فضای سبز در محوطه	عدم استفاده	استفاده زیاد	عدم استفاده
سالن مطالعه	- دارای سالن مطالعه - امکان استفاده در ایام امتحانات	- دارای سالن مطالعه - با مساحت کم - عدم امکان استفاده در ایام امتحانات	- دارای سالن مطالعه - عدم امکان استفاده در ایام امتحانات	استفاده کم	استفاده کم	استفاده زیاد
نمازخانه	- دارای سالن نمازخانه - عدم امکان استفاده در زمان انجام مراسمات مذهبی و فرهنگی	- فاقد سالن نمازخانه مجزا - یکی بودن با سالن تلویزیون	- دارای سالن نمازخانه - عدم امکان استفاده در زمان انجام مراسمات مذهبی و فرهنگی	استفاده کم	استفاده کم	استفاده زیاد

جدول ۶- ویژگی‌های فضایی مربوط به خوابگاه‌های رودکی، ولایت و شهید دستغیب و میزان استفاده از فضاهای مطلوب و نامطلوب جهت تامین خلوت.

عنوان فضا	ویژگی محیطی			میزان استفاده جهت تامین خلوت		
	دستغیب	ولایت	رودکی	دستغیب	ولایت	رودکی
راه پله و راهرو	- دارای راهپله و راهرو	- دارای راهپله و راهرو	- دارای راهپله و راهرو	عدم استفاده	استفاده کم	استفاده زیاد
سرویس بهداشتی و حمام	- دارای سرویس بهداشتی خصوصی در هر طبقه	- دارای سرویس بهداشتی عمومی در هر طبقه	- دارای سرویس بهداشتی خصوصی در هر سوئیت	استفاده کم	استفاده کم	استفاده زیاد
سالن تلویزیون	- دارای سالن تلویزیون مجزا	- فاقد سالن تلویزیون مجزا - یکی بودن با نمازخانه	- دارای سالن تلویزیون مجزا	استفاده کم	عدم استفاده	استفاده کم
بیرون از خوابگاه	- استقرار در محوطه پردیس دانشگاه	- استقرار در کوی خوابگاهی - استقرار در محوطه پردیس دانشگاه	- استقرار در خارج از محوطه پردیس دانشگاه و کوی خوابگاهی	استفاده کم	استفاده کم	استفاده زیاد
آشپزخانه	- دارای آشپزخانه عمومی در هر طبقه	- دارای آشپزخانه عمومی در هر طبقه	- دارای آشپزخانه خصوصی در هر سوئیت	عدم استفاده	استفاده کم	استفاده کم

فضای نامطلوب



تصاویر ۱۱ و ۱۲ - استفاده از پرده در اطراف فضای تخت به عنوان یک نمونه از رفتارهای تامین‌کننده خلوت.

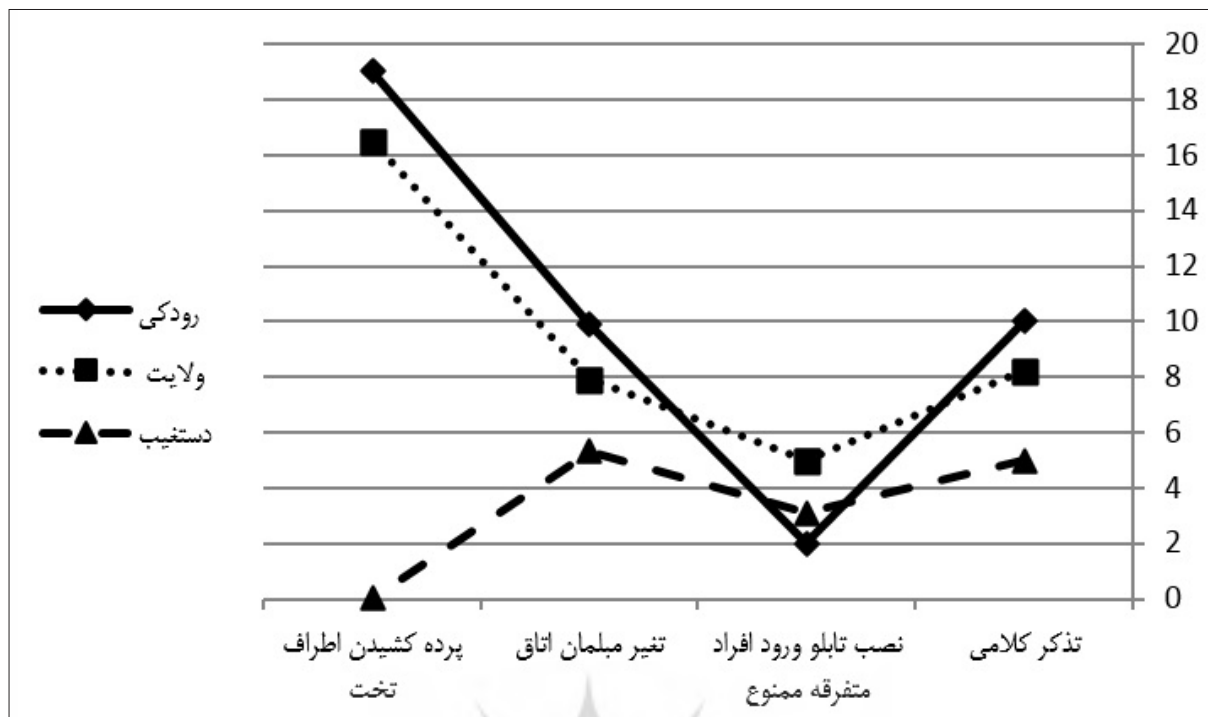
مناسب جهت تامین خلوت به ویژه در فضای اتاقشان می‌نمایند. لذا در این بخش از پژوهش، به بررسی این گونه رفتارها در جهت تامین خلوت مطلوب توسط دانشجویان پرداخته می‌شود.

- رفتارهای تامین خلوت مطلوب

هنگامی که خلوت مطلوب برای افراد ساکن در خوابگاه‌ها تامین نشود و محیط کالبدی، پتانسیل لازم جهت تامین خلوت را در اختیار ساکنین قرار ندهد، فرد سازوکارهای مختلفی را جهت دستیابی به خلوت مطلوب از خود بروز می‌دهد. این سازوکارها در سطوح مختلف کلامی، غیرکلامی و رفتاری نمود می‌یابد. تذکر شفاهی، اولین قدم در دستیابی به خلوت مخدوش شده است. وقتی افراد حس می‌کنند که خلوت مطلوب‌شان تامین نشده و یا مرز و حریم‌شان مورد تجاوز قرار گرفته است، با تذکر شفاهی، سعی در کنترل محیط پیرامون خود دارند. در سطوح دیگر، ساکنین

درصد افراد جهت تامین خلوت مطلوب خویش اجباراً به فضاهای نامطلوب پناه می‌برند. در خوابگاه ولایت نیز ۵۹ درصد افراد جهت تامین خلوت مورد نظر خود به فضاهای مطلوب و ۴۱ درصد آنها به فضای نامطلوب مراجعه می‌کنند. در ادامه هرکدام از فضاهای مطلوب و نامطلوب انتخاب شده در خوابگاه‌های مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد.

همانگونه که از جدول ۶ نمایان است در خوابگاه شهید دستغیب، تعداد کم افراد ساکن در اتاق منجر به آن می‌شود که دانشجویان کنترل بیشتری بر تعاملات دیداری و شنیداری و ... داشته باشند. در مقابل در خوابگاه‌های رودکی و ولایت، به علت تراکم زیاد اتاق‌ها و کمتر بودن امکانات موجود در خوابگاه برای تامین خلوت، افراد به ناچار به فضاهایی چون حمام‌های خوابگاه، راه پله‌ها و یا فضای خارج از محیط خوابگاه و ... پناه می‌برند. با این حال در مواردی که این افراد قادر به استفاده از فضاهای نامطلوب فوق نباشند، با انجام اقداماتی سعی در تامین شرایط



تصویر ۱۳- مقایسه رفتارهای تنظیم خلوت در خوابگاه‌های نمونه موردی.

از آنها استفاده می‌کنند، پرداخته می‌شود. از این رو در بخشی از پیمایش صورت گرفته، از افراد جامعه آماری، پیرامون مکانی از خوابگاه که بیشترین میزان دلبستگی را به آن دارند، پرسش به عمل آمد و همچنین در مصاحبه‌های انجام شده نیز از علت‌های این انتخاب پرسیده شد.

همانگونه که از داده‌های تصویر ۱۴ نمایان است، در خوابگاه شهید دستغیب، بیشترین میزان دلبستگی افراد نسبت به فضای اتاقشان وجود دارد. این در حالی است که در خوابگاه ولایت، بیشترین میزان دلبستگی دانشجویان به فضای سبز اطراف خوابگاه شکل گرفته و در خوابگاه رودکی، تقریباً به هیچ فضایی دلبستگی خاصی وجود ندارد. در این خصوص دانشجویی از خوابگاه شهید دستغیب اینطور عنوان کرد که:

"اتاقم را خیلی دوست دارم و نسبت به آن احساس مسئولیت می‌کنم اگر بخوام با کسی در خوابگاه قرار بگذارم او را به اتاقم دعوت می‌کنم با این حال وقتی روز خسته کننده‌ای را پشت سر می‌گذارم به اتاقم که می‌رسم و از پنجره اتاقم که دید زیبایی به شهر شیراز دارد نگاه می‌کنم، احساس خوبی به من دست می‌دهد. مطمئنم روزی برای اتاقم و مخصوصاً چشم‌انداز شهر که از اتاقم می‌بینم، دلتنگ می‌شوم."

دانشجوی دیگری در خوابگاه ولایت چنین اظهار نمود که: "بعد از دانشگاه و قبل از اینکه به داخل خوابگاه بروم، چند دقیقه‌ای را روی صندلی داخل محوطه می‌نشینم. درختان بلند محوطه فضای لذت بخشی ایجاد می‌کند که هم احساس در خود بودن دارم و هم احساس با دیگران بودن."

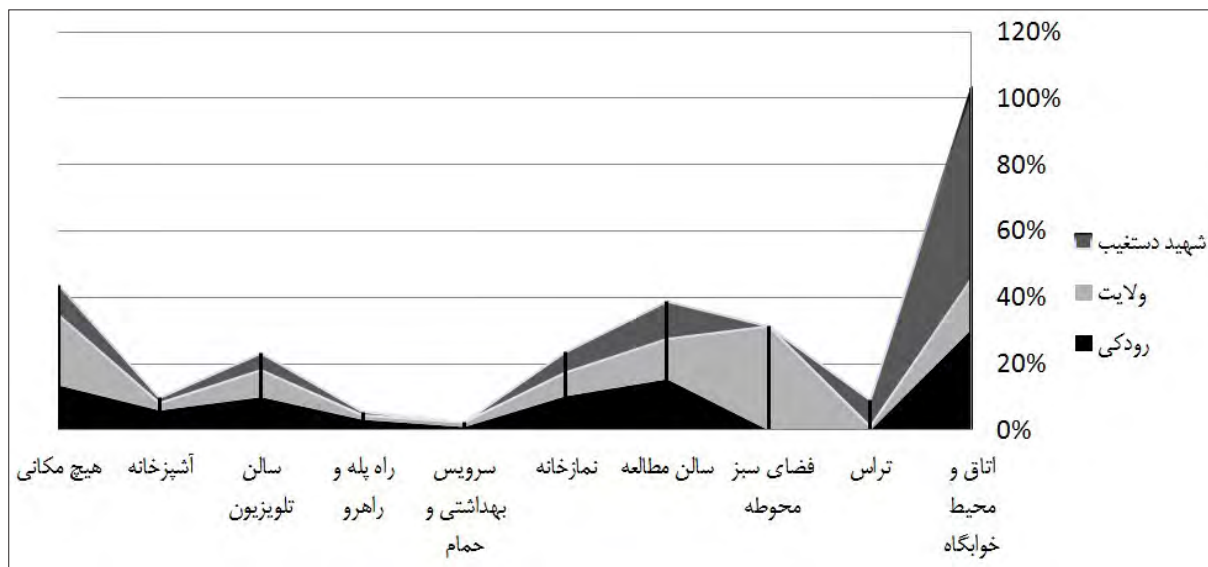
دانشجوی دیگری در خوابگاه رودکی عنوان داشت که: "بعد از پایان دوران تحصیل برای سالن مطالعه و شب‌های امتحان دلتنگ می‌شوم. به سالن مطالعه که می‌روم احساس

رفتارهایی از قبیل نصب نوشته برای عدم حضور افراد در اتاق، پرده کشیدن اطراف تخت خواب، تغییر دکوراسیون اتاق‌ها برای کنترل دید افراد به فضای شخصی و مواردی از این دست را انجام می‌دهند. با این واکنش و رفتارها، افراد تلاش می‌کنند که مرز خود با دیگران را جدا نموده و تعاملات خود را با دیگران به شکل گزینشی پیش ببرند. در ادامه، میزان استفاده از چهار رفتار تنظیم خلوت شامل «تذکر کلامی»، «نصب تابلو»، «تغییر مبلمان اتاق» و «کشیدن پرده اطراف تخت» در هر کدام از خوابگاه‌های نمونه موردی نشان داده شده است.

همانگونه که از داده‌های تصویر ۱۳ نمایان است، کشیدن پرده در اطراف تخت به عنوان یکی از رفتارهای تأمین کننده خلوت، بیشترین کاربرد را در خوابگاه‌های رودکی و ولایت داشته و پس از آن تذکر کلامی و تغییر در مبلمان اتاق بیشترین کاربرد را در این خوابگاه‌ها داشته است. این در حالی است که به طور کلی به دلیل تأمین شدن شرایط مطلوب خلوت در خوابگاه شهید دستغیب، انجام رفتارهای فوق به طور میانگین در این خوابگاه کمتر از دو خوابگاه دیگر است.

سنجش دلبستگی به مکان در مکان‌های مناسب برای خلوت‌گزینی

پس از بررسی مکان‌های مختلفی که افراد به منظور تأمین خلوت مطلوب شان به آن پناه می‌برند (اعم از مطلوب و نامطلوب) و همچنین بررسی رفتارهای مختلفی که افراد بر اثر عدم تأمین خلوت مطلوب در محیط خوابگاه از خود نشان می‌دهند، در این مرحله به بررسی میزان دلبستگی افراد به مکان‌های مختلف موجود در خوابگاه به ویژه مکان‌هایی که افراد برای تأمین خلوت



تصویر ۱۴- میزان دل بستگی به مکان های مختلف در سه خوابگاه شهید دستغیب، رودکی و ولایت.

دنیای اندیشه، به رفع مشکل خود می پردازد. در چنین حالتی، شخصیت فردی و اجتماعی فرد رشد و تکامل یافته و مادامی که این سطح از ارتباط با مکان وجود داشته باشد، فرد نسبت به آن مکان نوعی احساس عاطفی دارد. با گذشت زمان نیز مکان مذکور در تصویر ذهنی فرد باقی می ماند و این موضوع منجر به شکل گیری نوعی احساس عاطفی مثبت نسبت به آن مکان می شود که تحت عنوان دل بستگی به مکان تعریف می شود. بدیهی است که بعد از اتمام دوران تحصیل، بیشترین مکانی که برای فرد احساس دل تنگی را به همراه دارد، یاد و خاطره همین مکان ها و حضور در آنها است.

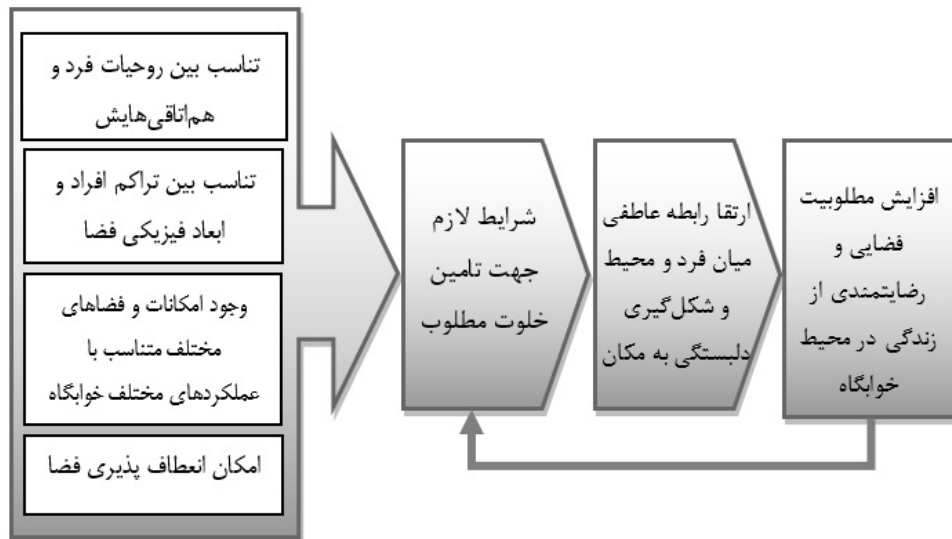
می کنم تنها جایی است که می توانم تمرکز کنم گاهی سالن مطالعه خواب گوی این تعداد دانشجو در شب امتحان نیست و من این مواقع به نمازخانه می روم" از جمع بندی مطالب فوق این نکته نمایان می شود که در هر کدام از خوابگاه های نمونه موردی، افراد بیشتر به آن مکان هایی دل بستگی بیشتری پیدا کرده اند که شرایط مناسب جهت تامین خلوت مطلوب را برای آنها فراهم آورده است. این بدان معنی است که عموماً زمانی که فرد به خلوت نیاز دارد، از نظر احساسی و عاطفی دچار تنش های مختلفی شده است و زمانی که مکانی را برای خلوت کردن برمیگزیند، به خودسازی پرداخته و با غور در

نتیجه

نتایج کمی و نیز کیفی این پژوهش نشان داد که عواملی چون تناسب بین روحیات فرد و هم اتاقی هایش، تناسب بین تراکم افراد و ابعاد فیزیکی فضا، وجود امکانات و فضاهای مختلف متناسب با عملکردهای مختلف در محیط خوابگاه و نیز انعطاف پذیری فضا، از جمله عواملی هستند که زمینه مناسب برای تامین خلوت مطلوب را برای افراد فراهم می آورند. در صورت تامین این خلوت، زمینه شکل گیری اهدافی چون تامین استقلال شخصی، کاهش هیجانات، امکان خودارزیابی و ارتباطات کنترل شده با دیگران برای ساکنین خوابگاه های دانشجویی فراهم می آید. تامین موارد مذکور منجر به ارتقای رابطه عاطفی میان فرد و محیط شده که این امر زمینه ایجاد و توسعه دل بستگی به مکان خوابگاه را برای فرد ایجاد می کند. گسترش حس دل بستگی به محیط سبب می شود که فرد محیط را مطلوب تر دانسته و احساس رضایت مندی بیشتری نسبت به سکونت در محیط خوابگاه داشته باشد. در پایان، راهکارهای ارائه شده جهت تامین خلوت و نتایج آن بر ارتقای دل بستگی به مکان شرح داده می شود:

- طراحی فضا متناسب با تعداد استفاده کننده: در صورتی

خوابگاه های دانشجویی به عنوان نوعی مسکن اجتماعی که بطور موقت در دوران تحصیل مورد استفاده دانشجویان قرار می گیرد، نقش بسزایی در شکوفایی شخصیت علمی و اجتماعی آنها ایفا می کنند. بنابراین توجه هر چه بیشتر به نیازهای متنوع دانشجویان در طراحی اینگونه فضاها ضروری به نظر می رسد. در این خصوص چنانچه محیط به گونه ای سازماندهی شده باشد که فرد بتواند در طول دوران تحصیلش با این مکان ارتباط عاطفی مناسب برقرار نماید، به پیشرفت های قابل توجهی در ارتباط با تحصیل علم دست خواهد یافت. با این حال یکی از مهم ترین نیازهای دانشجویان در محیط های خوابگاهی، تامین شرایط مناسب جهت مطالعه کردن و تمرکز کردن است که این موضوع تحت عنوان تامین شرایط مطلوب جهت خلوت گزینی معرفی شده است. به این معنی که شرایط محیطی و جوامع اجتماعی حاکم بر خوابگاه، می بایست فضایی را در اختیار فرد قرار دهد که احساس ازدحام و یا احساس انزوا برای فرد بوجود نیاید. در چنین شرایطی فرد می تواند به راحتی با خود خلوت کرده و در امور مربوط به تحصیل، به تفکر و اندیشه بپردازد.



تصویر ۱۵- مدل فرضی رابطه میان خلوت و احساس دلبستگی به مکان.

کتابخانه، نمازخانه، فضای سبز در محوطه اطراف خوابگاه، تراس و منظره مناسب - بطور کلی محیط مناسب - باعث می‌شود که افراد در دستیابی به خلوت موفق باشند و نیاز به خلوت دلخواه را در خود پاسخ دهند و به این ترتیب دلبستگی به مکان خود را گسترش دهند.

- امکان ایجاد انعطاف پذیری در ساختار فضایی: با طراحی فضاهایی انعطاف‌پذیر و متنوع و ایجاد محیط‌هایی که دانشجویان بتوانند آن را به محیط‌های دنج و شخصی تبدیل کنند، می‌توان محیط کالبدی متناسب با احتیاجات متنوع دانشجویان رافراهم آورد.

که تراکم افراد در اتاق‌ها متناسب با ابعاد فیزیکی اتاق باشد، افراد کنترل بیشتری بر تعاملات اجتماعی خود خواهند داشت. در مقابل اتاق‌هایی که تعداد جمعیت، متناسب با ابعاد کالبدی آن نباشد، کنترل تعاملات دیداری، شنیداری و حتی بویایی مختل شده و شرایط تامین خلوت مطلوب دچار اختلال می‌شود.

- به‌کارگیری عناصر فضایی و مبلمان مناسب در طراحی خوابگاه: قابلیت محیط در ایجاد فضای شخصی و قلمرو تعریف شده، امکانات مناسب مانند مبلمان اتاق‌ها، وجود

پی‌نوشت‌ها

sonal space, territory, crowding, Monterey, Brooks /Cole, CA.

Altman, I & Low, S (1992), *Place Attachment*, Plenum Press, New York.

Brown, B. B & Perkins, D. D (1992), Disruptions in place attachment, In I. Altman, & S. Low (Eds.), *Human behavior and environments: advances in theory and research*, Volume 12: Place Attachment (pp. 279 - 304), Plenum Press, New York.

Barker, R. G & Associates (1978), *Habitats, environments, and human behavior: Studies in ecological psychology and eco-behavioral science from the Midwest Psychological Field Station, 1947-1972*, Jossey-Bass, San Francisco.

Goffman, E (1963), *Behavior in public places: Notes on the social organization of gatherings*, Free Press, New York.

Haans, A; Kaiser, F. G & Kort, de, A. W (2007), Privacy needs in office environments: Development of two behavior - based scales, *European Psychologist*, 12, 93 - 102.

Harris, P. B; Brown, B. B & Werner, C. M (1996), Privacy regulation and place attachment: predicting attachments to a student family housing facility, *Journal of Environmental Psychology*, 16, 287 - 301.

Harris, P. B; Werner, C. M; Brown, B. B & Ingebritsen, D (1995), Relocation and privacy regulation: A cross cultural analysis, *Journal of Environmental Psychology*, 15, 311 - 320.

Kaya, N & Weber, M. J (2003), Cross cultural difference in the perception of crowding and privacy regulation: American and Turkish stu-

1 Personal Autonomy.

2 Emotion.

3 Self-Evaluation.

4 Communication.

5 Personal Space.

6 Personalization.

7 Desired Privacy.

8 Archived Privacy.

فهرست منابع

ازکیا، مصطفی؛ دربان آستانه، علیرضا (۱۳۸۲)، *روش‌های کاربردی تحقیق*، انتشارات کیهان، تهران.

ببی، ارل (۱۳۸۷)، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، ترجمه رضا فاضل، انتشارات سمت، تهران.

رایپورت، آموس (۱۳۹۱)، فرهنگ، معماری و طراحی، مترجمین: ماریا بزرگر، مجید یوسف نیاپاشا، انتشارات شلفین، ساری.

رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۰)، *کندوکاوها و پنداشته‌ها: مقدمه‌ای بر روش‌های شناخت جامعه و تحقیقات اجتماعی*، چاپ یازدهم، شرکت سهامی انتشار، تهران.

لنگ، جان (۱۳۹۱)، *آفرینش نظریه در معماری نقش علوم رفتاری در طراحی محیط*، مترجم علیرضا عینی‌فر، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

Altman, I (1975), *the Environment and social behavior: Privacy, per-*

Stedman, R. C (2003), Sense of place and forest science: toward a program of quantitative research, *Forest Science*, 49(6), 1-8.

Schwartz, S. H (1968), Awareness of consequences and the influence of moral norms on interpersonal behavior, *Sociometry*, 31, 355-369.

Sommer, R (1969), *Personal space*, Englewood Cliffs, Prentice Hall, NJ.

Stokols, D & Shumaker, S. A (1982), the psychological context of residential mobility and wellbeing, *Journal of Social Issues*, 38, 149-171

Vinsel, A; Brown, B. B; Altman, I & Foss, C (1980), Privacy regulation, territorial displays, and effectiveness of individual functioning, *Journal of Personality and Social Psychology*, 39, 1104-1115.

Weinstein, C. S (1982), Privacy-seeking behavior in an elementary classroom, *Journal of Environmental Psychology*, 2, 23-35.

Westin, A. W (1967), *Privacy and freedom*, Atheneum Books, New York.

dents, *Journal of Environmental Psychology*, 23, 301-309.

Kelvin, P (1973), A social psychological examination of privacy, *British Journal of Social and Clinical Psychology*, 12, 248-261.

McAndrew, F. T (1998), the Measurement of Rootedness and the Prediction of Attachment to Home-Towns in College Students, *Journal of Environmental Psychology*, 18, 409-417.

Rapoport, A (1977), *Human aspects of urban form: Towards man-environment approach to urban form and design*, pergamon, Oxford.

Rapoport, A (1967), Escape from Paradox, *Scientific American*, 217, 50-56.

Relph, E (1976), *Place and Placelessness*, Pion, London.

Riley, R (1992), Attachment to the ordinary landscape, In I. Altman and S. Low (Eds.), *Place attachment* (pp. 13-36), Plenum Press, New York.

